

## تبیین رابطه طایفه‌گرایی و حقوق شهروندی

(نمونه پژوهی: انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی)

میشم میرزائی تبار (دانش‌آموخته دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

**m.mirzaeitabar@modares.ac.ir**

سید محمدحسین حسینی (دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران)

**mh.hosseini25@yahoo.com**

وحید صادقی (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

**vahidsadeghi86@yahoo.com**

### چکیده

حقوق شهروندی مجموعه‌ای از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که فرد به عنوان تبعه یک کشور از آن برخوردار می‌شود. در مناطق با ساختار عشیره‌ای - طایفه‌ای نظیر شهرستان ممسنی حقوق شهروندی اهمیت ویژه‌ای دارد و فرهنگ طایفه‌ای می‌تواند آن را متاثر کند. در چنین شرایط فرهنگی، مجموعه نیروهای داخلی، سبب تثبیت مفهوم «ما» و مجموعه نیروهای بیرونی سبب شکل‌گیری مفهوم «آنها» می‌شود. این ویژگی، به صورت ذهنی و عینی در جریان رای‌دهی در انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی جلوه ویژه‌ای دارد و اقشار با افکار جدید جامعه تحت تاثیر بخش سستی قرار دارند. سوال اصلی پژوهش این است که چه رابطه‌ای میان فرهنگ طایفه‌گرایی و حقوق شهروندی در حوزه انتخابیه ممسنی وجود دارد؟ به نظر می‌رسد بین فرهنگ طایفه‌گرایی و حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد و طایفه‌گرایی با سلب آزادی و استقلال رأی شهروندان، ایجاد زمینه برای عمل براساس شرایط احساسی و ایجاد ضعف در تخصیص عادلانه بودجه و امکانات در فضای جغرافیای ممسنی می‌تواند منجر به نادیده گرفته‌شدن حقوق شهروندی در انتخابات مجلس شورای اسلامی شود. یافته‌های پژوهش ماهیتی توصیفی - تحلیلی دارد و بر پایه منابع کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی حاصل از توزیع پرسشنامه و تحلیل نتایج براساس آزمون T تک نمونه‌ای گردآوری شده است. نتایج پژوهش نشان داد که نگرش‌های محلی و عشیره‌ای و تسلط فرهنگ طایفه‌گرایی با آزادی و استقلال فردی، ورود به حریم فکری و شخصی، ناکارآمد ساختن نیروهای اجتماعی و

تخصیص ناعادلانه منابع و امکانات در مناطق ممسنی منجر به نادیده گرفتن حقوق شهروندی در این حوزه انتخابیه می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** حقوق شهروندی، انتخابات، فرهنگ طایفه‌گرایی و حوزه انتخابیه ممسنی.

#### ۱- مقدمه

شهروند<sup>۱</sup> و حقوق شهروندی<sup>۲</sup> از مفاهیم حقوقی و سیاسی مهم هستند که در جوامع سستی و جدید می‌توانند کارکردهای متفاوتی داشته باشند. در ایران، توجه و تاکید بر این مفاهیم با توجه به مناطق جغرافیایی و مولفه‌هایی نظیر توسعه سیاسی و اقتصادی و رشد آگاهی‌های عمومی، نتایج گوناگونی داشته است. در مناطق جغرافیایی پیرامونی کشور که هنوز به دلایل سستی این مولفه‌ها از رشد چندانی برخوردار نیستند، مفاهیم شهروند و حقوق شهروندی پدیده‌ای جدید به شمار می‌روند. ممسنی به عنوان یکی از شهرستان‌های استان فارس از جمله مناطق جغرافیایی پیرامونی کشور است که هنوز ساختار سستی خود را حفظ کرده است. مردم این شهرستان در سالیان متمادی زندگی عشیره‌ای و سستی داشته‌اند، به طوری که به اصالت‌ها بیشتر توجه داشته (Taheri, 2002: 1066) و با وجود رشد برخی نهادهای جدید نظیر آموزش و پرورش و وسایل ارتباط جمعی، همچنان مشکلاتی در رابطه با رعایت حقوق شهروندی دارند. ساخت طایفه و گرایش‌های طایفه‌ای در این شهرستان که همراه با هم‌آوردی ساکنان در زمان انتخابات و در چارچوب طوایف مختلف است، گویای این مسئله است که در روزهای انتخابات و بعد از آن، حقوق شهروندی می‌تواند تحت تاثیر ملاحظات سیاسی و طایفه‌ای قرار گیرد. افزون بر این، نامزدهای پیروز در انتخابات مجلس شورای اسلامی ممکن است در رابطه با مسائل مربوط به شهروندان، نگاهی طایفه‌گرایانه داشته باشند و بیش از آنکه خود را نماینده عموم بدانند، احساس تعلق به طایفه و خانواده خود ویژگی برجسته شخصیتی آنهاست (Sadeghi & Hosseini, 2015: 18). تلاش برای تقسیم افراد به خودی و غیر-خودی، می‌تواند تقویت و تضعیف مناطق مختلف شهرستان را در پی داشته باشد و در این میان افرادی که احساس کنند حقوق آنها تضییع شده، ممکن است عصیت طایفه‌ای در آنها افزایش یابد و ادوار بعدی انتخابات را به عرصه کشمکش‌ها تبدیل نمایند و در مراحل بعد مولفه‌های آزادی و عدالت که تحت عنوان حقوق شهروندی شناخته می‌شود را تحت الشعاع قرار دهد. بدیهی است که تاکید بر مسائل عشیره‌ای -

1. Citizen

2. Civil rights

طایفه‌ای در انتخابات می‌تواند آزادی مثبت و منفی به معنای استقلال فکری افراد و حریم فکری آنان را متأثر کند. بنیاد پژوهش کنونی بر این پرسش نهاده شده که چه رابطه‌ای میان فرهنگ طایفه‌گرایی و حقوق شهروندی در شهرستان ممسنی وجود دارد؟ به نظر می‌رسد، میان دو متغیر فرهنگ طایفه‌گرایی و حقوق شهروندی ارتباط معناداری وجود داشته و نگرش‌های محلی - طایفه‌ای نقش کلیدی در نادیده‌گرفتن حقوق شهروندی در حوزه انتخابیه ممسنی دارد.

## ۲- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، دو وجهی یعنی از نوع بنیادی و همچنین کاربردی است؛ با وجود این، وجه غالب آن را می‌توان بنیادی در نظر گرفت. به لحاظ ماهیت و روش نیز پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است که به بررسی رابطه دو متغیر طایفه‌گرایی به مثابه متغیر مستقل و حقوق شهروندی به عنوان متغیر وابسته می‌پردازد. گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای، مشاهده‌های میدانی و تحلیل آماری پرسشنامه است. در روش میدانی، با توجه به متغیرها و شاخص‌های مورد نظر در پژوهش، پرسشنامه‌ای با ۱۱ گویه در طیف لیکرت (پنج گزینه‌ای) طراحی و جامعه آماری نیز از سه شهر نورآباد، خومه‌زار و مصیری در شهرستان ممسنی انتخاب شد. علت انتخاب شهرستان ممسنی به عنوان مورد مطالعه، پیرنگ‌بودن فرهنگ و گرایش‌های طایفه‌ای در آن است. آمارهای مربوط به جمعیت این سه شهر شهرستان ممسنی به دلیل در دسترس نبودن نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ در سطح شهرها، براساس سرشماری سال ۱۳۹۰ ارائه شده است که بر مبنای آن، حجم نمونه با فرمول کوکران و معیار تعداد نمونه‌های با خطای ۱ درصد و با سطح اطمینان ۹۵ درصد، عدد ۹۶ نفر و تعداد نمونه‌های اصلاحی، ۱۰۹ نفر در مناطق شهری مشخص شد (جدول شماره ۱). ۱۰۹ پرسشنامه برای پاسخگویی در اختیار جامعه آماری قرار گرفت و نتایج حاصل از مطالعات میدانی با آزمون T تک نمونه‌ای در SPSS تحلیل شد. علت تعیین اعداد ۷۹ برای نورآباد، ۱۵ برای خومه‌زار و ۱۵ برای مصیری و در مجموع ۱۰۹ به عنوان تعداد نمونه‌های اصلاحی شهرهای شهرستان، تلاش برای کاهش اختلاف شمار جمعیت بین نورآباد با دو شهر دیگر و افزایش دامنه توزیع پرسشنامه با هدف بهتر و معقول‌تر شدن جامعه آماری است. علت محاسبه خطای ۱ درصد نیز محدودیت زمانی، کمبود امکانات، بعد فاصله، وسعت زیاد محدوده مطالعاتی و وجود برخی محدودیت‌ها در تکمیل پرسشنامه‌ها بوده است.

جدول ۱- حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و معیار تعداد نمونه اصلاحی

نام شهر	جمعیت	تعداد نمونه‌ها با خطای ۰/۱	تعداد نمونه‌های اصلاحی
۱- شهر نورآباد	۵۵۷۳۶	۷۹	۷۹
۲- شهر خومه‌زار	۶۰۹۵	۹	۱۵
۳- شهر مصیری	۵۸۳۰	۸	۱۵
جمع کل جمعیت شهری	۶۷۶۶۱	۹۶	۱۰۹

Source: Fars province Statistical Yearbook 2011

براساس جمعیت شهرها، در شهر نورآباد که محل سکونت دو طایفه بکش و جاوید است هر کدام به طور مساوی ۳۲ پرسشنامه و در برخی مناطق محل سکونت طایفه دشمن‌زیاری، ۱۵ پرسشنامه توزیع شد. در خومه‌زار با اکثریت ساکنان طایفه ماهورمیلاتی، ۱۵ پرسشنامه و در شهر مصیری با ساکنان طایفه رستم نیز ۱۵ پرسشنامه توزیع شد.

### ۳- چارچوب نظری پژوهش

#### ۳-۱- حقوق شهروندی

شان شهروندی و حقوق و تکالیف آن از مفاهیم اساسی زندگی دموکراتیک است. شهروندی یا تابعیت مربوط به رابطه فرد و کشوری است که در آن زندگی می‌کند (Hafeznia et.al, 2012: 98). ریشه شهروندی به شهرها یا پولیس‌های یونانی و دولت شهرهای روم باستان بر می‌گردد (Kaldi & Pourdehnad, 2012: 40). در دموکراسی‌های باستانی یونان و روم نیز شان شهروندی به معنی داشتن حقوق و تکالیف یکسان در قانون و نیز مشارکت در امور سیاسی و عمومی جامعه بود (Basherie, 2002: 40). از نظر اصطلاحی، حقوق شهروندی یا آزادی‌های مدنی مجموعه‌ای از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که فرد به عنوان تبعه یک دولت - ملت از آن برخوردار می‌گردد. مجموعه آزادی‌هایی که افراد یک جامعه از آن بهره‌مند هستند و اصطلاحاً حقوق و آزادی‌های فردی و حقوق عمومی شهروندان نیز حقوق بشر و شهروند نامیده می‌شود (Razaghpour, 2011: 94).

#### ۳-۲- شاخص‌های حقوق شهروندی

در بیان شاخص‌های حقوق شهروندی مهمترین منبع را می‌توان اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دانست که برپایه اصول اسلامی تدوین و با موافقت حداکثری ملت یا شهروندان با برگزاری

همه‌پرسی به تصویب نهایی رسیده است. در قانون اساسی، موارد مربوط به حقوق شهروندی در زمینه‌های مختلف در اصول ۳، ۱۵، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۶ و ۴۷ مستقیم و غیرمستقیم مورد اشاره قرار گرفته است. در پژوهش حاضر به دلیل نیاز به شاخص، از اصول قانون اساسی برای استخراج شاخص‌ها بهره‌گیری شده است و این به معنای بررسی تبعیت یا عدم تبعیت از اصول قانون اساسی در منطقه مورد مطالعه نیست. بر این اساس، مهمترین شاخص‌های حقوق شهروندی در ارتباط با انتخابات عبارتند از: تامین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون (Constitution of the Islamic Republic of Iran, Clause 7, Article 3)؛ مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش (Constitution of the Islamic Republic of Iran, Clause 8, Article 3)؛ برخورداری مردم از هر قوم و قبیله از حقوق مساوی (Constitution of the Islamic Republic of Iran, Clause 8, Article 19)؛ حمایت یکسان قانون از همه افراد ملت اعم از زن و مرد و برخورداری از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام (Constitution of the Islamic Republic of Iran, Clause 8, Article 20)؛ و ممنوعیت تفتیش عقاید و عدم تعرض و مؤاخذه افراد به صرف داشتن عقیده‌ای (Constitution of the Islamic Republic of Iran, Clause 8, Article 23)؛

### ۳-۳- آزادی‌های مثبت و منفی

در تشریح آزادی‌های سیاسی معمولاً از دو نوع آزادی مثبت و آزادی منفی نام برده می‌شود. در این زمینه بیشترین فعالیت‌ها را آیزیا برلین<sup>۱</sup> داشته است. مفهوم آزادی در اندیشه برلین بر محور انتخاب‌گری انسانی معنا می‌یابد (Ashraf Nazari, 2012: 360). در این چارچوب، آزادی مثبت چند معنا دارد و این تعدد معانی شاید تقابل آزادی مثبت با آزادی منفی را کمی مبهم کرده است. آزادی مثبت به معنای استقلال فردی، عمل بر حسب مقتضیات عقل و حق مشارکت در قدرت عمومی به کار رفته است. در واقع، منشأ مفهوم آزادی مثبت، از تفکیک نفس عالی و دانی و سپس تحکم بخش عالی نفس بر بخش سافل آن ناشی می‌شود؛ یعنی تفکیک "خود حقیقی" از "خود کاذب" و تأکید بر خودمختاری با تکیه بر خود حقیقی. برلین در تشریح مفهوم آزادی مثبت می‌نویسد: من در مقام فرد می‌خواهم متکی بر خودم باشم، نه بر نیروهای بیرونی. اراده خود را اعمال کنم، نه اینکه معمول اراده دیگران باشم. کارگزار و

1. Isaiah Berlin

تصمیم‌گیرنده باشم، نه اینکه برایم تصمیم بگیرند؛ خودگردان باشم، نه اینکه دیگران با من چنان رفتار کنند که گویی شیء یا حیوانم یا برده‌ای عاجز از ایفای نقش انسانی خود؛ یعنی اینکه بتوانم اهداف و شیوه‌های رسیدن به آنها را در ذهن خود تصویر کنم. این بخشی از معنای عقلانی بودن انسان است (Mashekat & Fazeli, 2014: 110). در مقابل مفهوم آزادی مثبت، از مفهوم آزادی منفی به مثابه اساس لیبرالیسم دفاع می‌شود. برلین در تعریف آزادی منفی معتقد است: اگر در موردی به سبب دخالت دیگران نتوانم کاری را که می‌خواهم، انجام دهم، آزادی خود را به همان مقدار از دست داده‌ام و اگر دخالت دیگران آن قدر گسترش یافته که دامنه آزادی عمل من از حداقل کمتر گردد، از نظر فردی به صورت مجبور و حتی برده درآمده‌ام (Berlin, 2001: 237). بنابراین، منظور برلین از آزادی منفی، چپستی و کجایی قلمرویی است که اشخاص، آزاد و بدون دخالت دیگران آنچه را می‌خواهند، انجام می‌دهند (Ghaderi, 2013: 35). برخی متفکران در تحلیل رابطه آزادی مثبت و منفی بر این باورند که دو مفهوم آزادی مبتنی بر حمایت از آزادی منفی در برابر آزادی مثبت نیست بلکه بر پایه جانبداری از فردگرایی، تجربه‌گرایی و کثرت‌گرایی در برابر جمع‌گرایی<sup>۱</sup>، کلی‌گرایی<sup>۲</sup>، یگانه‌گرایی و متافیزیک عقل‌گرایانه<sup>۳</sup> قرار دارد (Mashekat & Fazeli, 2014: 109).

### ۳-۴- انتخابات

انتخابات مهمترین وسیله انعکاس افکار عمومی و خواست‌ها و ترجیحات مردم است (Basherie, 2002: 169). پایه‌های اجتماعی قدرت سیاسی را نشان می‌دهد و ملاک خوبی برای ارزیابی توزیع قدرت در جامعه است (Aeivazi, 2006: 33). انتخابات، شیوه دموکراتیک‌ترین گزینش نهادهای نمایندگی مردم و بنیاد مشروعیت ساختارهای مردم‌سالار به شمار می‌رود (Kaviani Rad, 2013: 29) و مهمترین مجرای عملی شدن دموکراسی و معیاری برای ارزیابی جایگاه و میزان نقش‌آفرینی مردم در نظام‌های سیاسی است (Rahnavard & Mahdavi rad, 2010: 17). تبیین تئوری انتخابات با شیوه دموکراسی مستقیم و غیرمستقیم صورت می‌گیرد. در دموکراسی مستقیم یا مشارکتی، تصمیمات جمعی و به وسیله افراد ذی‌ربط گرفته می‌شود (Hafeznia & Kaviani rad, 2009: 266). ولی در دموکراسی غیرمستقیم یا نمایندگی، مردم به واسطه نمایندگان خود بر دولت نظارت و احزاب نقش حیاتی دارند (Alem, 2011: 300).

1. collectivism
2. Holism
3. Rationalistic

## ۳-۵- طایفه و طایفه‌گرایی

طایفه<sup>۱</sup> واحد زیستی - فرهنگی متشکل از اجتماع انسانی به هم پیوسته در فضای جغرافیایی است که در آن افراد ادراک مشترکی نسبت به ویژگی‌ها و منافع یکدیگر دارند. قلمرو یا سرزمین مشخص<sup>۲</sup>، ارتباطات فامیلی و خویشاوندی<sup>۳</sup>، روابط مکانی و همسایگی<sup>۴</sup>، ویژگی‌های زیستی<sup>۵</sup> و علایق و منافع مشترک<sup>۶</sup> عناصر ساختاری و هویت بخش طایفه را تشکیل می‌دهد. افراد یک طایفه غالباً با هم خویشاوند هستند و ساکنان هویت اجتماعی مشترکی دارند که با نام طایفه مشخص می‌گردد. این مجموعه مکانی - فضایی مبتنی بر روابط اجتماعی - اقتصادی خاص و بستگی‌ها و پیوندهای ویژه قومی و خویشاوندی، اجتماع معینی را به وجود می‌آورد که طایفه نام دارد (Sadeghi, 2014: 17). در همین ارتباط، طایفه - گرای<sup>۷</sup> نوعی احساس و انگیزه درونی افراد ساکن در مکان و فضای جغرافیایی خاص است که ارزش - های مرتبط با نحوه ادراک از محل زیست را بر ارزش‌های فراتر از مکان یا مرتبط با محل‌های دیگر ترجیح می‌دهند (Rumina & Sadeghi, 2015: 91) و ناظر بر این است که ساکنان یک محدوده سکونتگاهی که در کنار هم یک کلیت منسجم و پیوسته را تشکیل می‌دهند، یک هویت جمعی و محلی دارند که بر بنیاد آن، عموماً مانند یکدیگر بر پایه ویژگی‌ها و شناسه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی‌شان، به فرد و یا جریانی که با آنان احساس همانندی می‌کنند، رأی می‌دهند. این هویت جمعی در محدوده همسایگی سبب همگونی و پویایی جمعی، افزایش ارتباطات و احساس همبستگی اجتماعی است (Kaviani Rad & Gharah Beygi, 2017: 154). بر این اساس، طایفه‌گرایی، جغرافیایی‌ترین گُش سیاسی به شمار می‌رود.

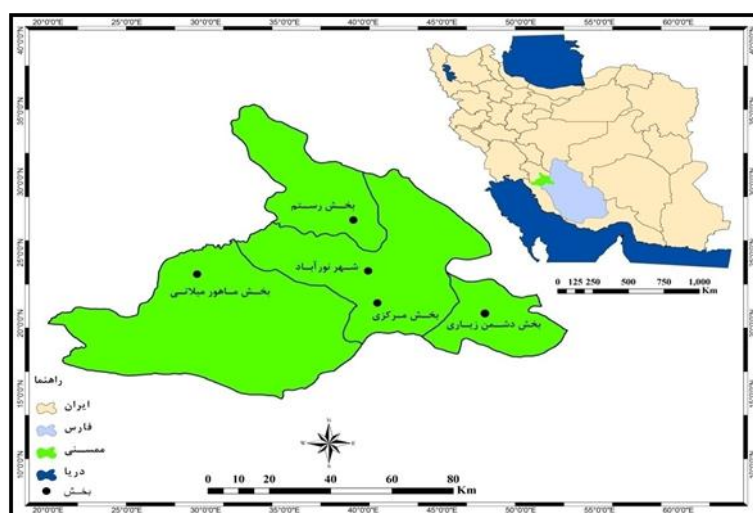
طایفه‌گرایی به گرایش افراد یک جامعه برای برتر پنداشتن فرهنگ خود نیز اطلاق می‌شود. هر جامعه - ای نوعی طایفه‌گرایی را بر می‌انگیزاند اما همه اعضای آنها به یک اندازه طایفه‌گرا نیستند. یعنی برخی سنخ - های شخصیتی بیشتر از سنخ‌های دیگر گرایش‌های طایفه‌گرایانه دارند (Coen, 2007: 44). در مجموع مهمترین شاخص‌های فرهنگ طایفه‌گرایی عبارتند از: افتخار به ارزش‌ها و نمادها؛ احساس غرور تاریخی و فرهنگی؛ خواست‌های محدود افراد و گروه‌ها؛ رواج تقدیرگرایی و اعتماد اجتماعی محدود؛ توجه به

1. Tribe
2. Territory
3. Kinship system
4. Spatial and neighborhood relations
5. Biological features
6. common interests
7. Tribalism

تبارگرایی و اصالت مناسبات شخصی و طایفه‌ای در امور عمومی؛ بی‌اعتمادی و سوء ظن سیاسی و فقدان اجماع‌نظر؛ رفتار سیاسی سستی و عشیره‌ای؛ وجود احساسات و عواطف محلی و طایفه‌ای؛ وفاداری‌های مکانی - زیستگاهی؛ رقابت مکانی - زادگاهی جهت دستیابی به امکانات و امتیازات؛ خویشاوندگرایی و احساس تعلق به گروهی خاص؛ پابندی شدید به رسوم و سنت‌ها؛ نفی فردگرایی و اصالت به جمع و رعایت سلسله مراتب اجتماعی؛ تعهدات و وابستگی‌های غیررسمی؛ گرایش به پدرسالاری و مردسالاری؛ و پایداری و استحکام پیوندهای خونی و قومی میان اعضا (Sadeghi, 2014: 21).

#### ۴- محیط‌شناسی پژوهش

استان فارس ۲۹ شهرستان دارد. شهرستان ممسنی در شمال غربی استان و غرب رشته کوه زاگرس قرار دارد. عمده ساکنان شمال غرب و غرب استان گویش لری دارند. ممسنی نیز شامل دو گروه زبانی لری و ترکی قشقایی است (Habibi Fahliani, 1992: 51). براساس آمارهای آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، این شهرستان با اختصاص ۵/۴ درصد از مساحت استان، ۱۱۷۵۲۷ نفر جمعیت دارد که ۶۴۶۵۷ نفر در نقاط شهری و ۴۸۷۸۲ نفر در نقاط روستایی سکونت دارند و ۴۰۸۸ نفر هم غیرساکن هستند (Statistical Center of Iran, census 2016).



نقشه ۱- موقعیت جغرافیایی شهرستان ممسنی

Source: (Sadeghi, 2014: 21)



ممسنی با یک حوزه انتخابیه (ممسنی) از چهار بخش مرکزی، رستم، دشمن‌زیاری و ماهور میلانی تشکیل شده است. هر کدام از این بخش‌ها، گهواره زیست طایفه‌های موجود ممسنی هستند و از دیرباز در محل زندگی و فعالیت طوایف بکش، رستم، جاوید، دشمن‌زیاری و ماهور میلانی عمل می‌کنند و سکونتگاه‌های آنها حوزه نفوذ تحت کنترل آنها بوده است (Mirzaeitabar et.al, 2015: 177). بخش ماهور میلانی تیره‌هایی از طوایف دره‌شوری و کشکولی ایل قشقایی و همچنین تیره‌هایی از قوم لر را در خود جای داده است. این طوایف متعدد در کنار یکدیگر ترکیب متنوعی را به لحاظ دسته‌بندی‌های سستی شکل داده‌اند. از نظر جمعیت، طوایف رستم و بکش و از نظر قلمرو جغرافیایی تحت نفوذ، طوایف ماهور میلانی، دشمن‌زیاری و رستم بیشترین سهم از فضای جغرافیایی شهرستان ممسنی را به خود اختصاص داده‌اند (Mirfardi & Dehbanipour, 2012: 169). این شهرستان تحت تاثیر فرهنگ سیاسی ایلی و عشیره‌ای قرار دارد و با وجود متاثر شدن ساختار زندگی ایلی شهرستان ممسنی از روند مهاجرت‌های از روستا به شهر در سال‌های اخیر، مناسبات و وابستگی‌های تباری - خویشاوندی همچنان در معنابخشی به کنش‌های اجتماعی - سیاسی افراد مؤثر هستند. گرایش‌های زادگاهی و طایفه‌ای، ضعف مناسبات مؤثر طوایف با یکدیگر، کم‌توجهی به صلاحیت‌های فردی در انتخابات و گزینش بر بنیاد نگرش‌های محلی - طایفه‌ای و در مجموع تاثیرگذاری علایق عشیره‌ای - طایفه‌ای بر رفتار اجتماعی، سیاسی و انتخاباتی شهروندان از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی این شهرستان است.

#### ۵- یافته‌های پژوهش

##### ۱-۵- یافته‌های کتابخانه‌ای

##### ۱-۱-۵- پراکسیس، فرهنگ طایفه‌گرایی و حقوق شهروندی

پراکسیس (Praxis) واژه یونانی و به معنای عمل و کنش متوجه هدف است. ریشه آن در Pratein و Prassein به معنای انجام دادن و کاری را در عمل پیش بردن است. پراکسیس معادل واژه Pragma و Pragma به معنای انجام دادن و تمرین کردن و استفاده عملی از امری یا چیزی است. این حوزه (پراکسیس) یا نیروهای تولید، حوزه حرکت هستند و در جامعه نقش هدایت امور را دارند (Basherie, 2011: 31).

پراکسیس در ممسنی بستر ساز پیشرفت و ایستادگی در مقابل روبناها که حوزه مقاومت<sup>۱</sup> هستند، نمی‌شود و محرکه‌ای برای پیشبرد علقه‌های سنتی، طایفه‌گرایی و نادیده گرفتن حقوق شهروندی است. به طور کلی، سه دوره تاریخی را می‌توان در زمینه حقوق شهروندی در ایل ممسنی از یکدیگر تفکیک کرد. نخستین مرحله قبل از ورود انسان ممسنی به قلمرو شولستان است. در این دوره حقوق شهروندی از مکانیزم خاصی برخوردار نبوده است؛ چراکه زندگی ایلی - عشیره‌ای و عدم استقرار در سرزمینی مشخص مانع از تدوین روابط میان خوانین و اتباع شده بود. تحت این شرایط، مؤلفه‌هایی نظیر ثروت، امنیت و آزادی از اهمیت وجودی ساقط بود.

در دومین دوره، استقرار ایل ممسنی در اقصی نقاط جغرافیایی شولستان (۱۳۳۱ ه.ق) و حکمرانی خوانین بر قلمروهای برخوردار از جمعیت قابل توجه و مرزهای جغرافیایی مشخص، زمینه‌ساز شکل‌گیری روابط سلسله‌مراتبی در ساختار ایلی - عشیره‌ای شد. این مبانی فکری که تا سقوط خوانین در سال ۱۳۴۱ ه.ش استمرار پیدا کرد، ساختار ایلی - عشیره‌ای را تثبیت ساخت و حقوق شهروندی را با چالش بنیادین مواجه کرد. بر این پایه، نوعی نظام طبقاتی در ایل ممسنی شکل گرفت که روابط ساکنان با یکدیگر را به صورت عمودی تعریف کرد. به این معنا که خوانین در رأس، کدخدایان به عنوان ابزار دست خوانین و توده مردم در انتهای طیف قرار داشت. به همین دلیل نوع نگاه ساکنان به یکدیگر در درون یک قلمرو یا طایفه مبتنی بر طبقه اجتماعی اشخاص و خانواده‌ها تعریف می‌شد. در این زمینه می‌توان به گروه‌هایی نظیر کشاورزان، فرهنگیان، کسبه، مهتر، خطیر (عُربت) و غیره اشاره کرد که به دلیل نوع مشاغل خود یا مورد احترام و یا مورد نکوهش قرار می‌گرفتند. این روابط نه تنها در تثبیت طبقات اجتماعی افراد نقش ویژه‌ای داشت بلکه شکل و ماهیت ساختار ایلی - عشیره‌ای را نیز قوام می‌بخشید. قوی‌ترین برآیند این رویکرد، فقدان برابری اشخاص و عدم برخورداری از حقوق شهروندی بود. در این دوره نه تنها ثروت و آزادی میان توده مردم به صورت ناعادلانه توزیع شده بود، بلکه امنیت نیز در چارچوب وفاداری ساکنان به رأس قدرت (خوانین و کدخدایان) تأمین می‌شد. از این رو، امکان رشد و نمو تمامی اشخاص در بستر ساختار

۱. منظور از روبناها و حوزه مقاومت، نهادها و ساختارهایی هستند که مانعی در مسیر توسعه سیاسی شهرستان ممسنی هستند. در پراکسیس مارکسیسم، زیربنا (نیروی اجتماعی) حوزه حرکت و روبنا (دولت) حوزه مقاومت است اما در پراکسیس طایفه‌گرایی، زیربنا و روبنا مکمل یکدیگرند. پراکسیس مارکسیسم، خوش‌بینانه و فرجام آن حاکمیت پرولتاریا و نهایتاً جامعه بی‌طبقه است اما پراکسیس در جوامع سنتی و یا در حال گذار نظیر ممسنی، به دلیل ایجاد ساختار توسط انسان در تاریخ، فرجامی واگرایانه و تبعیض آمیز را به همراه دارد (Mirzaeitabar et al, 2015: 204).

ایلی - عشیره‌ای دشوار بود، زیرا الصاق برجسب اجتماعی به افراد آنها را از نظر بین‌الذنهانی ناگزیر از فعالیت در چارچوب شغل خود می‌کرد و مانع از دگردیسی اجتماعی شان می‌شد.

از سوی دیگر، ساختار اجتماعی به گونه‌ای نهادینه شد که امکان تحرک و پویایی فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به سختی امکان‌پذیر بود. از نظر فرهنگی، عواملی نظیر اقتدارگرایی و پدرسالاری منجر به پذیرش تمامی ارزش‌های حاکم شد که پیامد آن هنجارهای اجتماعی بود. از نظر اقتصادی نیز ساکنان ناگزیر انجام کارهای سخت و طاقت‌فرسا نظیر کشاورزی، دامداری، بنایی و غیره بودند به طوری که تا دهه ۱۳۴۰ه.ش (فعالیت محمد بهمن‌بیگی و سرهنگ تژده در ایل ممسنی) فکر خلاق و پویای اقتصادی شکل نگرفت. سرانجام، در عرصه سیاست نیز خفقان دوره خوانین مانع از ابراز وجود اشخاص صاحب‌درایت و عقلانیت سیاسی می‌شد و همگان ناگزیر از فرمانبرداری از خوانین بودند. در بستر خانواده‌ها نیز به دلیل سلسله‌مراتب حاکم، به مبانی فکری فرزندان توجه نمی‌شد؛ چراکه اقتدار پدر مانع از ابراز وجود پسر می‌شد. سومین دوره تاریخی، عصر پساخوانین است. در این دوره به دلیل فضای باز اجتماعی و سیاسی فرصت لازم به منظور تحرک بیشتر ساکنان فراهم شد. با وجود این، ماهیت زندگی ایلی - عشیره‌ای همچنان در استمرار خوی و خصلت این سبک زندگی مؤثر واقع شد. گرچه تحرک اجتماعی و اقتصادی قابل توجهی (نظیر تحصیلات تکمیلی و سرمایه‌گذاری اقتصادی) در شهرستان ممسنی مشهود است، لکن همچنان روح پدرسالاری بر زندگی خصوصی ساکنان و روابط اجتماعی شان حاکم است. این روحیه در بازتعریف ساختار عشیره‌ای تأثیرگذار بوده است. تحت این شرایط، امکان استقلال و آزادی افراد در تعیین سرنوشت زندگی شخصی و سیاسی خود با چالش مواجه است. مداخله بزرگان و خویشاوندان در انتخاب اشخاص و تحت فشار قرار دادن آنان به منظور برقراری روابط اجتماعی با اولاد یا تیره‌ای خاص و یا برگزیدن نامزد مُتَسَبِّب به طایفه خود در کارزار انتخابات گویای این مسئله است. در یک تحلیل کلی می‌توان گفت کار انسان در تاریخ ممسنی رابطه ژرفی با نمادها پیدا کرده است. نمادها بازتاب پراکسیس هستند. در ممسنی، روحيات سلحشوری و پدرسالاری در گذر زمان حفظ شده و ساکنان ممسنی، ساختار حاکم یعنی بافت و الگوی سنتی و طایفه‌ای را با فعالیت خود در اجتماع تقویت کرده‌اند. با وجود کاهش برخی دلبستگی‌های عشیره‌ای در ممسنی، تلاش فرد برای مقابله با دگرگونی بنیادین ادامه دارد و کارکرد وی در تاریخ و خلق علایق طایفه‌ای به لحاظ روحی و روانی او را به حفظ کارکرد تاریخی‌اش ملزم می‌سازد. یعنی ساختار مخلوق گذشتگان و گروه‌های خویشاوندی توسط نسل‌های جدید بازساخت شده

است و روی گرداندن کامل از آنها به سادگی میسر نیست. با وجود تحولات جزئی، مفاهیم مرتبط با حقوق شهروندی نظیر آزادی مثبت و منفی با چالش مواجه می‌شوند. ساکنان ممسنی در طول تاریخ ناگزیر از حفظ سنت‌ها بوده‌اند و ذهنیت افراد مبنی بر حرکت در راستای نگرش‌های محلی - طایفه‌ای، سلب آزادی مثبت و منفی را به همراه داشته است. توده مردم ممسنی از سران و بزرگان طوایف و برخی نخبگان تبعیت کرده‌اند و به آزادی مثبت، خودمختاری فردی و عمل بر بنیاد مقتضیات عقل با دیده تردید نگریسته و این ذهنیت، آنان را به حرکت جمعی و مبتنی بر هنجارهای طایفه‌ای سوق داده است. تشکیک ذهنی به صورت عینی نیز نمایان شده و افراد را در قالب ساختارهای جغرافیایی و طایفه‌ای به رویارویی با یکدیگر کشانده و امکان تصور فرد از آزادی مثبت را از بین برده است. بنابراین، کار انسان در قالب حکمران، نخبگان و توده منجر به ضعف تصور مفهوم آزادی مثبت در ذهن و عین گردیده که پیامد آن نادیده گرفتن حقوق شهروندی است. ضعف در برخورداری از حق انتخاب آزادانه، با گذشت زمان در نسل جدید امتداد یافته و در مقاطعی نظیر انتخابات بروز می‌کند. در واقع، کار انسان در تاریخ ممسنی، شکاف طایفه‌ای را در زمان انتخابات بیش از پیش فعال کرده و عملاً آزادی مثبت برای گزینش مطلوب از بین می‌رود و فرد به دلیل استقرار در بافتی عشیره‌ای - طایفه‌ای قادر به خودمختاری، انتخاب آزاد و هدفمند نیست و این مسئله حقوق شهروندی وی مبنی بر استقلال فکری را از بین می‌برد. از طرف دیگر، کار انسان در تاریخ ممسنی و بهره‌گیری توده از آن با دو شیوه ذهنی و عینی، آزادی منفی فرد را نیز متأثر می‌کند. به این معنا که اطرافیان و گروه‌های وابسته به یک طایفه، افراد را به گزینشی هیجانی و مبتنی بر وابستگی‌های خویشاوندی ترغیب می‌کنند و بر ساختگی طایفه توسط پیشینیان، نسل جدید را به حمایت از الگوهای آنان و به ویژه از طریق تحریک ذهنیت هم‌طایفه‌ای خود سوق داده است. به طوری که نسل جدید مردم ممسنی رسالت خود را در پاسداشت سنت‌ها و الگوهای خویشاوندی دانسته و تلاش می‌کند تا بر ذهنیت اطرافیان تاثیر بگذارد. بنابراین، آزادی منفی که به معنای عدم دخالت دیگران در حریم شخصی و فکری اوست، توسط گروه‌های خویشاوندی رسوخ‌پذیر شده و به صورت ذهنی، آزادی فرد سلب می‌شود. همچنین آزادی منفی افراد به صورت عینی توسط دیگران سلب شده که پیامد آن شیء‌گشتگی<sup>۱</sup> و ضعف وجود حریم شخصی برای مقابله با دخالت دیگران در استقلال و آزادی عمل خویش است. از جمله

۱. شیء‌گشتگی (Reification) به معنای عدم استقلال فرد است که توانایی انتخاب ندارد و معمولاً در اختیار اهداف و منافع دیگران قرار می‌گیرد.

مصادیق تاثیرگذاری ذهنی و عینی بر افراد را می‌توان در انتخابات مجلس شورای اسلامی یافت. در این نوع انتخابات، به دلیل برجستگی پیوندهای خویشاوندی، مکانی و طایفه‌ای در نخبگان و توده مردم ممسنی، رغبت به گزینش عاطفی - هیجانی نامزدهای انتخاباتی افزایش یافته و افراد به دلیل وابستگی‌های طایفه‌ای از آزادی لازم برای انتخاب نامزد طایفه دیگر را ندارند و فشارهای ذهنی و روانی خود فرد مبنی بر انتخاب نامزد طایفه خود از یک سو و فشار خانواده، گروه‌های قومی و آشنایان بر وی برای انتخاب نامزد هم-طایفه‌ای، حق استقلال فکری را از او سلب کرده که برآیند آن نادیده گرفته شدن حقوق شهروندی است. در مجموع، کار انسان در تاریخ ممسنی به دلیل تمایل نخبگان و توده به حفظ سنت‌ها به نهادینگی ارزش‌های عشیره‌ای - طایفه‌ای منجر شده که تغییر در آنها دشوار و برآیند آن نیز سلب آزادی مثبت و منفی افراد و ضعف رعایت حقوق شهروندی است.

#### ۵-۱-۲- کارویژه نیروهای اجتماعی در زمینه حقوق شهروندی

نیروهای اجتماعی به عنوان واسط دولت و مردم، در جامعه با ساخت طایفه‌ای به گونه‌ای دیگر می‌توانند نقش آفرین باشند. در شهرستان ممسنی، نیروهای اجتماعی نظیر نخبگان، روشنفکران، دانشجویان، بازاریان و اقشار مذهبی هم می‌توانند در جهت رعایت حقوق شهروندی گام بردارند و یا اینکه با تبعیت از ارزش‌های سنتی - طایفه‌ای، حقوق شهروندی را نادیده بگیرند. زیرا بافت سنتی حاکم بر شهرستان می‌تواند استقلال عمل را از این نیروها سلب نمایند. در این راستا، با وجود اینکه نخبگان شهرستان ممسنی می‌توانند با ایجاد فضای لازم برای فعالیت توده مردم زمینه پیشرفت آنها را فراهم آورند و منجر به نهادینگی حقوق شهروندی شوند، اما وضعیت جامعه شهرستان ممسنی به گونه‌ای است که نخبگان در فضای طایفه‌ای قرار گرفته و کارایی لازم را ندارند. گروهی از نخبگان که از ناکارآمدی علقه‌های عشیره‌ای - طایفه‌ای آگاهی کامل دارند به مقایسه شهرستان با دیگر مناطق پرداخته و علت عقب ماندگی خود را در این پدیده می‌یابند. آنها خواهان تغییر وضع موجود و تلاش برای ایجاد شرایطی هستند که در آن شهروندان بتوانند آزادانه و برابر و بر مبنای شایستگی خود نقاط کلیدی را به دست گیرند و زمینه را برای رشد و توسعه شهرستان هموار نمایند. در مقابل، گروهی دیگر از نخبگان خواهان حفظ علایق دودمانی هستند که این مسئله زمینه‌ساز نادیده گرفتن حقوق شهروندی است (Zarghami et.al, 2014: 10). گروه روشنفکران که در بدنه سنتی جامعه ممسنی حضور دارند، فعالیت ملموسی نداشته و از انسجام کافی برخوردار نیستند و صرفاً به صورت نظری با فرهنگ طایفه‌گرایی در انتخابات مخالفت می‌کنند. از طرف دیگر، دانشجویان

در شهرستان ممسنی در سالهای اخیر توانسته‌اند مانند دیگر مناطق کشور از امکانات خوبی بهره‌مند شوند. دستیابی آنها به تکنولوژی‌های جدید در عرصه اطلاعات و ارتباط با دانشجویان دیگر مناطق باعث شده است تا دایره آگاهی‌های آنها افزایش یابد. دانشجویان نیز به گروه‌های موافق و مخالف طایفه‌گرایی تقسیم می‌شوند ولی تحولات حوزه انتخابیه ممسنی به ویژه انتخابات مجلس شورای اسلامی نمایانگر این است که مخالفان فرهنگ طایفه‌گرایی نیز تحت تاثیر پیوندهای عشیره‌ای می‌شوند. قشر اقتصادی بازار نیز با وجود اینکه مخالفت خود را با طایفه‌گرایی اعلام می‌نمایند اما با توجه به اینکه پیروزی طایفه مورد نظر آنها می‌تواند سود بیشتری برایشان داشته باشد، به طایفه‌گرایی در انتخابات گرایش پیدا می‌کنند. متغیر مذهب در انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی، سهم اندکی را به خود اختصاص داده و اقشار مذهبی از قدرت چندانی برای مقابله با طایفه‌گرایی برخوردار نیستند. بنابراین، نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی در شهرستان ممسنی به ویژه در انتخابات مجلس شورای اسلامی به دلیل چیرگی وابستگی‌های طایفه‌ای نه تنها از توانایی لازم برای مقابله با فرهنگ طایفه‌گرایی برخوردار نیستند بلکه در راستای تمایلات عشیره‌ای عمل می‌کنند و این، بستر لازم برای نادیده گرفته شدن حقوق شهروندی را فراهم می‌کند (Sadeghi & Hosseini, 2015: 19).

### ۱-۳-۵- پیوندهای نسبی و محدودیت آزادی مثبت و منفی

در حوزه انتخابیه ممسنی ماهیت فرهنگی و شرایط محیطی به مسیر برنامه‌ریزی نهادهای رسمی و غیررسمی شکل داده است. فرهنگ طایفه‌ای در شهرستان ممسنی ارگان‌های رسمی نظیر بخش‌ها و ادارات و بخش‌های غیررسمی نظیر محافل دانشجویی، نخبگان، بازار و... را تحت الشعاع قرار می‌دهد. ضعف برخی نیروهای اجتماعی در رعایت حقوق شهروندی نیز فضای لازم را در اختیار گروه‌های ذی-نفوذ<sup>۱</sup> قرار داده و آنها بر بنیاد پیوندهای نسبی و گرایش‌های عشیره‌ای - طایفه‌ای به رفتار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی افراد در شهرستان ممسنی شکل می‌دهند و ساکنان شهرستان ممسنی ناگزیر از تطبیق خود با

۱. گروه‌های ذی‌نفوذ (گروه فشار) در حوزه انتخابیه ممسنی شامل «بزرگان و موی‌سپیدان طوایف»، «متنفذین محلی» و «گروه‌های خویشاوندی» است. بزرگان طوایف در راستای «هویت»، متنفذین محلی در راستای «منافع» و گروه‌های خویشاوندی در راستای «هویت - منافع» عمل می‌کنند. منشاء رفتار انتخاباتی طایفه‌ای، سلب آزادی مثبت و منفی و نادیده گرفتن حقوق شهروندی در انتخابات مجلس مربوط به گروه‌های خویشاوندی است (Sadeghi & Hosseini, 2015: 18).

ساختار و بافت غالب هستند و دستیابی به اهداف خود را از این طریق می‌داند. بنابراین، کارپذیری و اجابت فرامین، شناسه ساکنان این شهرستان است که ضمن تقویت پیوند نسبی، آزادی مثبت و منفی آنان را نیز در خدمت ارزش‌های طایفه‌ای قرار می‌دهد. این الگوی رفتاری سستی همبستگی با تیره و طایفه، همچنان تداوم داشته است. هر چند اقشار جوان و تحصیل، در مقابل فرهنگ طایفه‌ای و سنت‌های عشیره-ای، استقلال فکری و عملی خود را ابراز می‌کنند اما مقاطع تصمیم‌گیری نظیر انتخابات مجلس شورای اسلامی بیانگر این مسئله است که پیوندهای نسبی بر آزادی و استقلال افراد چیره شده و محرک‌های محیطی نظیر مرزهای جغرافیایی طایفه‌ای و فشارهای خویشاوندی مانعی در این زمینه هستند و احاطه فکری فردی به آسانی میسر می‌شود. این احاطه فکری با موانع بیرونی و بی‌ثباتی درونی در ساکنان شهرستان ممسنی آنها را به سوی حفظ پیوند نسبی و اصول و بایسته‌های زندگی سیاسی عشیره‌ای سوق می‌دهد. شهروندان تا قبل از آغاز تبلیغات انتخاباتی دست به انتخاب نزده و خود را در میانه سنت و مدرنیته در نوسان می‌بینند. از یک سو، خود و دیگران را به انتخاب عقلایی و ترسیم آینده‌ای بهتر و پیشرفت شهرستان ترغیب می‌کنند و از سوی دیگر، پیوندهای نسبی و اصول طایفه‌ای را بهنجار می‌دانند و احساس برتری «غیر» بر آنها و ترس از انزوای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در آینده، آنها را ناچار به گزینشی عاطفی می‌کند تا از غلبه دیگران بر خود جلوگیری کنند. بی‌اعتمادی، نوعی فضای رقابت و ترس از آینده را به همراه می‌آورد و فرد را از منظر درونی به ترجیح پیوندهای نسبی بر آزادی مثبت خویش ناگزیر می‌سازد. بنابراین، حرکت از مرحله تشکیک ذهنی به مرحله ثبات شخصیتی در زمانی کوتاه به وقوع می‌پیوندد ولی سرنوشت محتوم ثبات شخصیتی در چارچوب ارزش‌های طایفه‌ای و پیوندهای نسبی معیار کلیدی برای گزینش سیاسی است نه انتخاب عقلایی و هدفمند. در مجموع، آزادی مثبت و استقلال و عمل بر حسب مقتضیات عقلی به امری مبهم، نامفهوم و بیهوده تبدیل می‌شود. چون گزینش عقلایی ممکن است شهروند ساکن شهرستان ممسنی را در نگاه گروه‌های خویشاوندی به فردی ساختارشکن و فاقد تعلقات عشیره‌ای تبدیل کند و مراودات اجتماعی و سیاسی او را با چالش مواجه ساخته و در انزوا قرار گیرد. افزون بر این، فضای عدم اعتماد طوایف به یکدیگر به دلیل سابقه آنها مبنی بر انتصابات بعد از انتخابات و ضعف توجه نماینده به سایر طوایف در تخصیص بودجه و امکانات و حتی رفتار نابهنجار و تحقیرآمیز با دیگر طوایف (Sojasi Gheidari et.al, 2013: 268)، شهروندان ساکن شهرستان ممسنی را ناگزیر از گزینشی هیجانی می‌کند. موارد مذکور در ذهن فرد شکل گرفته و وی با ترسیم فضا و تزلزل

درونی، آزادی مثبت را از خود سلب نموده و دیگران بر او تاثیر گذار نیستند. از طرف دیگر، موانع بیرونی فرد را تحت فشار قرار داده به گونه‌ای که تاکید گروه‌های خویشاوندی به حفظ بن‌مایه عشیره و عمل در جهت موفقیت طایفه خود در میدان سیاسی نظیر انتخابات مجلس شورای اسلامی، افراد را به سوی ساختار و سلسله مراتب دودمانی و گزینش بر بنیاد هویت جغرافیایی و طایفه‌ای سوق می‌دهد که ضمن ایجاد محدودیت در آزادی منفی، آنها را ناگزیر به اجابت دستور می‌کند.

#### ۵-۱-۴- سلب آزادی مثبت و حقوق شهروندی

آزادی مثبت و حق انتخاب آزادانه و ترسیم سرنوشت اجتماعی و سیاسی خود در حوزه انتخابیه ممسنی متأثر از مسائلی نظیر انتخابات و فرهنگ طایفه‌گرایی است. به نحوی که استقلال فردی، عمل بر حسب مقتضیات عقل و ابراز اراده خود بودن تبدیل به کارپذیری و کارگزاری برای دیگران شده است. این مسئله در روزهای تبلیغات تا پایان روز انتخابات بیشتر نمود دارد. زیرا رأی دهندگان در فضایی احساسی تصمیم می‌گیرند. علاوه بر این، بیش از آنکه دیگران به مقیدسازی شهروندان شهرستان ممسنی بپردازند، خود فرد استقلال‌اش را در چارچوب الگوی حاکم بر جامعه و طایفه تنظیم و حق انتخاب عقلایی را از خود سلب می‌کند. در واقع، تبدیل استقلال فردی به استقلال عقلانی به دلیل أرجحیت خود و دفع غیر در انتخابات و کسب موفقیت در چارچوب جغرافیای قلمرو خود، به سختی امکان‌پذیر می‌شود. در این راستا، حق انتخاب و ایستادگی در مقابل دیگران به ویژه افراد منتسب به طایفه با ترس صورت می‌گیرد. به این معنا که برخی افراد استقلال خود را به دلیل فضای هیجانی غالب و عدم توانایی برای مقابله با اکثریت طایفه‌گرا از دست داده و دچار تزلزل شخصیتی شده و مجبور به همراهی با آنان می‌شوند. برخی دیگر نیز فضای موجود را پذیرفته و آزادی خود را خودآگاه یا ناخودآگاه در خدمت علقه‌های طایفه‌ای قرار داده و آزادی انتخاب را به دلیل فضای غیریت‌زدایی در مقاطع حساس در راستای موفقیت نهایی طایفه قرار می‌دهند و عملکرد خارج از ساختار طایفه‌ای و پیوندهای نسبی را به مثابه نوعی درماندگی می‌پندارند که ممکن است از منظر هویت و منافع، مسیر آینده آنان را مبهم سازد. به این معنا که شهروند ساکن شهرستان ممسنی در چارچوب بافت طایفه‌ای، آزادی مثبت و اتکاء به خود را برای عدم سرزنش گروه‌های خویشاوندی و هم‌طایفه‌ای و دستیابی به منافع و کسب فرصت لازم در آینده، در خدمت ارزش‌های طایفه‌ای قرار می‌دهد و مصلحت طایفه را بر مصلحت فردی و گزینش عقلانی ترجیح می‌دهد. از سوی دیگر، برخی افراد ناخودآگاه به جرگه طایفه‌گرایی و گزینش سیاسی عاطفی وارد می‌شوند و عملاً آزادی



مثبت معنای وجودی خود را از دست می‌دهد. بنابراین، آزادی مثبت بیش از آنکه به تقویت روحیه درونی شخص برای گزینشی مطلوب در انتخابات بدل شود به دلیل فضای حاکم بر شهرستان ممسنی به ویژه در بحبوحه انتخابات مجلس شورای اسلامی، گزینش طایفه‌ای را به همراه دارد که برآیند آن نادیده گرفتن حقوق شهروندی است. در این میان، ضعف توسعه فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به شکل‌گیری فضایی منجر شده که آزادی مثبت و عقلایی بودن فرد در فضایی آرام و به دور از هیجان غیرممکن بوده و حق مشارکت در قدرت عمومی در اختیار ارزش‌های عشیره‌ای - طایفه‌ای قرار می‌گیرد. در مجموع، منشأ کنترل یا نظارت تاثیر فراوانی بر شهروند ساکن شهرستان ممسنی در گزینش سیاسی وی به ویژه در زمان انتخابات داشته است. به نحوی که تلاش وی برای کنترل رفتار خود و عمل بر بنیاد خواسته‌های آزادانه به امری تقریباً غیرقابل دسترس تبدیل شده و هر گزینشی را در چارچوب نگاه دیگران به ویژه خانواده و افراد هم‌طایفه‌ای منطبق ساخته تا در زندگی اجتماعی و سیاسی آینده در شهرستان ممسنی به عنوان عنصری مطلوب و مورد احترام طایفه شناخته شود. مصادیق عینی این رویه را می‌توان در مناطق جغرافیایی یک طایفه مشاهده کرد که معمولاً آراء شناور دارند. ساکنان این مناطق معمولاً در گزینش سیاسی خود با تزلزل مواجه می‌شوند زیرا انتخاب طایفه غیرخودی از سوی آنان، نگاه بدبینانه گروه‌های خویشاوندی و هم‌طایفه‌ای را به دنبال دارد و حتی برخی مواقع این گروه‌ها سعی می‌کنند تا اصطلاح "خیانت" را به آنان نسبت دهند. این مسئله نشان می‌دهد که آزادی مثبت افراد (خودآگاه یا ناخودآگاه) در بافت طایفه‌ای شهرستان ممسنی و به ویژه در انتخابات مجلس شورای اسلامی، مفهوم خود را از دست داده و پیامد آن نادیده گرفته شدن حقوق شهروندی است.

#### ۵-۱-۵- سلب آزادی منفی و حقوق شهروندی

در تشریح مسئله آزادی منفی در شهرستان ممسنی می‌توان به خاستگاه سلب آزادی منفی و موضوع حقوق شهروندی اشاره کرد. بر این اساس، دال مرکزی سلب آزادی منفی، گروه‌های خویشاوندی و سپس مولفه‌هایی نظیر پیوستگی هویتی و جغرافیایی هستند. به عبارتی، گروه‌های نسبی و خویشاوندی بیشترین تاثیرگذاری را در روزهای انتخابات دارند. این گروه‌ها در دو برهه زمانی، رویه‌های متفاوتی دارند. دوره نخست، قبل از آغاز تبلیغات رسمی نامزدها است. در این دوره، گروه‌های خویشاوندی معمولاً بر حاکمیت فضای مسالمت‌آمیز بر انتخابات، حفظ همبستگی درونی طایفه و آزادی افراد در انتخاب نامزدها تاکید و اشتیاق زیادی به ترغیب بستگان و توده مردم به انتخاب عقلایی در چارچوب ارزش‌های طایفه دارند. این

گروه‌ها معتقدند که افراد هر طایفه با برخورداری از آزادی در گزینش سیاسی، ضمن احترام به ارزش‌های طایفه‌ای، به دور از هرگونه تنش، رأی خود را به صندوق ببنداند. در این مرحله، گروه‌های خویشاوندی محافظه‌کار بوده و تاکید قطعی بر نامزد خاصی نمی‌کنند و حفظ بن‌مایه طایفه را اصلی مهم می‌دانند. آنها معتقدند که هرگونه فشار به افراد در این دوره ممکن است به تمایلات گریز از مرکز (طایفه) بینجامد. بنابراین، انسجام طایفه، عدم فشار بر افراد و تقاضای نرم‌خویانه از آنان مهمترین موضوع در این مرحله است. در شرایطی که افراد یک طایفه به نامزد طایفه دیگر تمایل پیدا کنند، گروه‌های خویشاوندی ترجیح می‌دهند که مسئله را بدون هیاهو حل و فصل کنند. زیرا هرگونه برخورد سخت با افراد طایفه می‌تواند به ضدیت آنان و یا بی‌طرفی‌شان در انتخابات بینجامد و پشتوانه طایفه و آراء طایفه‌ای در انتخابات را تضعیف کند. موضوع مهم دیگر در این دوره، نگرانی هویتی گروه‌های خویشاوندی است. بدین معنا که این گروه‌ها به دلیل اعلام نامزدی چندین نفر از افراد طایفه در انتخابات، دچار نوعی ابهام شده و با برگزاری نشست‌ها و جلساتی از نامزدهای طایفه خود تقاضای ائتلاف و کناره‌گیری برخی از آنها برای جلوگیری از ریزش آراء را می‌نمایند. در این جلسات، گروه‌های خویشاوندی بر تاریخ، عقبه و منشأ واژگانی طایفه خود تاکید و توده مردم را به برتری بر دیگر طوایف ترغیب می‌کنند. البته گاهی در این نشست‌ها، تنش‌های لفظی نیز میان تیره‌های مختلف یک طایفه برای برتری تیره خود و کسب امتیاز از نامزد پیروز صورت می‌گیرد. در مجموع، این برهه زمانی که آغاز ثبت‌نام نامزدهای انتخابات، فرآیند تأیید صلاحیت و قبل از شروع تبلیغات انتخاباتی را شامل می‌شود، یکی از مراحل حساس زندگی سیاسی طوایف است که آنها در چارچوب گروه‌های خویشاوندی به صورت ظریف و هوشمند، حقوق شهروندی و حق آزادی در انتخاب سیاسی را رعایت کرده و ارزیابی شرایط، چگونگی صف‌آرایی نامزدها و تدوین استراتژی برای بسیج توده در آینده را مهم می‌دانند.

در دوره دوم که معمولاً کمتر از یک ماه است و تبلیغات انتخاباتی نامزدها به اوج می‌رسد، رویکرد گروه‌های خویشاوندی غالباً دگرگون می‌شود. در این دوره، تلاش این گروه‌ها برای تاثیرگذاری بر تصمیم‌گیری افراد افزایش می‌یابد. این گروه‌ها، رویه را به صورت ذهنی و عینی پیش می‌برند و بر برتری نامزد متناسب به طایفه خود و سوق دادن ذهنیت افراد به سوی پیروزی نهایی وی در انتخابات تاکید دارند. در این راستا، ذهنیت‌سازی از طریق جلسات و نشست‌های خویشاوندی به دو صورت خودجوش و سازمان‌یافته و بدون حضور نامزدها صورت می‌گیرد. جلسات خودجوش معمولاً به صورت آشکار در

روزهای تبلیغات در نواحی جغرافیایی مختلف طایفه برگزار می‌شود و گروه‌های خویشاوندی بدون هرگونه تقاضا و فشار بیرونی و برای برتری طایفه خود، افراد را دعوت به حضور فعال در انتخابات و موفقیت نامزد طایفه خود می‌نمایند و بیش از آنکه به آزادی رأی افراد توجه کنند، آنان را در خدمت طایفه و نمادهای طایفه‌ای به کار می‌گیرند. گاهی مشاهده شده است که برخی گروه‌های خویشاوندی در صورت عدم موفقیت در ذهنیت‌سازی و همراهی افراد با خود، اقدام به اجبار از طریق عدم اجازه به افراد برای درج آزادانه نام نامزد در تعرفه رأی و در برخی مواقع برخورد فیزیکی با فرد کرده‌اند و به این ترتیب آزادی منفی از افراد سلب و حقوق شهروندی‌شان نادیده گرفته می‌شود. مولفه موثر دیگر در سلب آزادی منفی از سوی گروه‌های خویشاوندی، مربوط به حوزه جغرافیایی و شعب اخذ رأی است. به این معنا که وجود یک صندوق اخذ رأی در یک حوزه جغرافیایی به دلیل تقسیم‌بندی‌های فضایی موجود، ابزار پرستیژ تیره یا طایفه محسوب می‌شود زیرا یکی از مبانی اصلی تاثیرگذاری و قدرت تیره‌های یک طایفه بر اساس مجموع آراء آنان است. هر تیره‌ای بتواند برای کاندیدای طایفه خود رأی بیشتری جذب کند، پس از انتخابات می‌تواند ضمن افزایش پرستیژ، به منافع بیشتری دست یابد.

از سوی دیگر، جلسات سازمان‌یافته معمولاً به دو صورت آشکار و پنهان برگزار می‌شود. در جلسات آشکار، یکی از اعضای گروه‌های خویشاوندی به عنوان رهبر با کسب فرامین از گروه‌های مرکزی تصمیم‌گیرنده طایفه به ارائه سخنرانی، ترسیم اوضاع، ویژگی‌های مثبت طایفه خود و نقاط ضعف طوایف دیگر و تاکید بر همدلی جهت بسیج خویشاوندان اقدام می‌نمایند. در این جلسات معمولاً برخی تنش‌های ناخودآگاه نیز ممکن است ایجاد شود و افراد حاضر، تقاضاهایی از نامزدها جهت پیگیری مطالبات خود داشته باشند که رهبران سعی می‌کنند با وعده‌های انتخاباتی نامزدها، آنها را به آرامش و وفاق دعوت نمایند. در جلسات پنهان و محرمانه نیز معمولاً گروه کوچکی از خویشاوندان به بررسی وضعیت انتخابات و صف‌آرایی نامزدها پرداخته و برنامه‌های لازم جهت بسیج منظم و کارآمد خویشاوندان و سایر مردم را تدارک می‌بینند. در این جلسات تلاش بر این است که اسرار تدوین راهبرد تا یک روز قبل از انتخابات افشاء نشود و اقدامات معمولاً مخفیانه و توسط گروه اندکی از خویشاوندان انجام گیرد. بنابراین، گروه‌های خویشاوندی سعی در ایجاد مواضع یکپارچه در افراد در انتخابات و جلوگیری از تمایل افراد به طایفه مقابل دارند. به این ترتیب، مرزبندی طایفه‌ای که توسط گروه‌های خویشاوندی تشدید شده، منجر به سلب آزادی منفی و نادیده گرفتن حقوق شهروندی به ویژه در زمان انتخابات می‌شود.

علاوه بر دال مرکزی خویشاوندی، پیوستگی هویتی و جغرافیایی تیره‌های یک طایفه در سلب آزادی منفی و نادیده گرفتن حقوق شهروندی موثر است. پیوستگی هویتی و جغرافیایی مختص زمان تبلیغات انتخابات است؛ چون قبل از شروع تبلیغات، تیره‌های مختلف طوایف انسجام لازم را ندارند و افراد تیره‌ها آزادانه و بدون دخالت دیگران می‌توانند دست به انتخاب بزنند. بنابراین، تیره‌های مختلف در چارچوب پیوستگی دودمانی و مکانی در زمان تبلیغات تا پایان انتخابات به یکدیگر نزدیک شده و به تدوین راهبرد برای بسیج توده پرداخته و آزادی منفی و انتخاب عقلایی افراد را تحت‌الشعاع تعلقات عشیره‌ای - طایفه‌ای قرار می‌دهند و در روز انتخابات با حضور فیزیکی، برای موفقیت نامزد طایفه خود تلاش می‌کنند. شیوه فعالیت تیره‌ها مشخص و تفکیک شده است و هر یک از آنها موظف به فعالیت در حوزه انتخاباتی و جغرافیایی خود هستند. در این زمینه می‌توان به تقسیم شعب اخذ رأی در مرکز شهر اشاره کرد که معمولاً به مرکز فعالیت تیره‌های مختلف یک طایفه تبدیل می‌شود. در جریان فعالیت تیره‌ها، معمولاً خشونت و درگیری خیابانی نیز میان اعضای طوایف صورت می‌گیرد. در این چارچوب، حوزه‌های اخذ رأی و کنترل بر آنها بر بنیاد پیوستگی هویتی و جغرافیایی به هدف اصلی طوایف تبدیل می‌شود که مهمترین پیامد آن عدم وجود آزادی و انتخابی مطلوب همراه با آرامش است. در مجموع، به دلیل ضعف توسعه سیاسی در شهرستان ممسنی، بستر لازم جهت فعالیت گروه‌های خویشاوندی و پیوستگی‌های عشیره‌ای و مکانی وجود داشته که برآیند آن سلب آزادی منفی و نادیده گرفتن حقوق شهروندی در انتخابات است. البته این مسئله، مختص قبل و زمان انتخابات نیست و پس از انتخابات نیز در فضایی آرام و به دور از هیاهو وجود دارد. پس از انتخابات و پیروزی یک نامزد منتسب به طایفه خاص، معمولاً گروه‌های ذی‌نفوذ بیش از سایر گروه‌ها فعال می‌شوند و سهم‌خواهی تیره‌ها را مطرح می‌سازند. بارزترین جلوه این تقاضاها نگاه‌گزینشی به توده مردم است و ترجیح می‌دهند، فرصت‌ها و مناصب سیاسی و اقتصادی را در اختیار تیره‌های پیرو خود در انتخابات قرار دهند. در این راستا، مبنای جغرافیایی و هویتی بیش از هر چیز به سلب حقوق شهروندی منجر می‌شود زیرا تفکیک افراد، ترسیم‌الگوی «خود» و «دیگری» است و فرصت شایسته - سالاری در طوایف را از بین می‌برد. بنابراین، مولفه‌های مذکور به همراه ضعف توسعه شهرستان، منجر به شکل‌گیری چرخه‌ای گردیده که از تعلقات عشیره‌ای - طایفه‌ای آغاز و ضمن سرایت به انتخابات مجلس شورای اسلامی، دوران بعد از انتخابات را نیز تحت‌الشعاع قرار داده و به سلب آزادی منفی و نادیده گرفتن حقوق شهروندی ختم می‌شود.

## ۵-۱-۶- تعلقات محلی - طایفه‌ای و تعیین سرنوشت سیاسی

تعلقات محلی - طایفه‌ای و تاثیر سنت‌ها بر زندگی اجتماعی می‌تواند از منظر سیاسی روابط افراد را متاثر کند. این رویه در شهرستان ممسنی با روابط خویشاوندی و علقه‌های زادگاهی، زندگی ساکنان در عرصه اجتماعی و سیاسی را تحت تاثیر قرار داده است. فضای سستی و تعلقات مکانی افراد و پاسداری از آنها، در تعیین سرنوشت سیاسی و آینده زندگی شخصی و گروهی شان نقش بسزایی داشته است. به این معنا که افراد در شهرستان ممسنی در چارچوب طایفه و وابستگی‌های مکانی، سرنوشت شخصی و جمعی و زندگی شخصی در قالب همبستگی دسته‌جمعی را در تعیین سرنوشت سیاسی خود دخیل می‌دانند. از این رو، گروه‌هایی که بیشترین تعلقات خویشاوندی و عشیره‌ای را دارند، معمولاً می‌توانند در سرنوشت سیاسی افراد وابسته به طایفه خود موثر باشند و آزادی منفی آنها را سلب نمایند. این سلب آزادی در انتخابات مجلس شورای اسلامی صورت گرفته و افراد در راستای خواسته‌های دیگران به گزینش سیاسی می‌پردازند. این رویه در روز انتخابات تشدید و هرگونه فعالیت خارج از چارچوب قلمرو طایفه و تمایل به نامزد دیگر زادگاه‌ها، نابه‌هنجار تلقی و به دلیل فشارهای اطرافیان، افراد ناچار به حمایت از نامزد طایفه خود می‌شوند. مصداق این امر را می‌توان در واکنش خانواده و خویشاوندان به افراد هم‌طایفه دید که در صورت تمایل به سایر طوایف، ضمن سرزنش آنها، فضا را به گونه‌ای ترسیم می‌کنند تا با ارائه چهره‌ای نامطلوب از طوایف دیگر، مانع گرایش افراد هم‌طایفه به آنها شوند. در مجموع، تعلقات محلی - طایفه‌ای در زندگی اجتماعی و سیاسی افراد در شهرستان ممسنی تاثیر مستقیم دارند که استقلال افراد در انتخاب آزادانه نادیده انگاشته می‌شود و افراد به عنوان نیرویی در خدمت ارزش‌های سستی و عشیره‌ای هستند که نباید عرف حاکم بر شهرستان و در میان طوایف را خدشه‌دار کنند. مهمترین پیامد این امر، سلب آزادی مثبت و منفی، عدم احترام به تصمیم آزادانه و مبتنی بر استقلال فکری افراد و سلب آرامش افراد در گزینش عقلانی و کارآمد است. بنابراین، تاکید گروه‌های خویشاوندی بر علقه‌های سستی و همراهی بزرگان طوایف، ریش سفیدان و متنفذین محلی به نادیده گرفتن حقوق شهروندی در شهرستان منجر شده است. علاوه بر این مولفه‌ها، ضعف توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و ضعف نیروهای اجتماعی نیز بر مسئله تاکید بر علقه‌های عشیره‌ای - طایفه‌ای و نادیده گرفتن حقوق شهروندی در انتخابات مجلس شورای اسلامی موثر است.

### ۷-۱-۵- رقابت مکانی - زادگاهی، جدایی‌گزینی‌های فرهنگی - اجتماعی و تقسیم عادلانه امکانات

شکل‌گیری فضای رقابتی در انتخابات نوعی جدایی‌گزینی فرهنگی - اجتماعی را بر شهرستان ممسنی حاکم می‌کند که با تأثیر در فرآیند انتخابات، رقابت مسالمت‌آمیز با فضایی عاطفی و هیجانی همراه می‌شود. این وضعیت در فضای پس از پایان انتخابات نیز در میان طوایف شهرستان وجود دارد. در این چارچوب، فضای هیجانی بر بنیاد جدایی‌گزینی فرهنگی - اجتماعی و توجه به علایق دودمانی منجر به تفکیک افراد و گروه‌ها می‌شود و معمولاً تصمیم‌گیری‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بر این مبنا صورت می‌گیرد. افراد تصمیم‌گیر، ضمن برجسته کردن ارزش‌های عشیره‌ای - طایفه‌ای با تأثیرگذاری بر کاندیدای پیروز انتخابات، فضای «خود» و «دیگری» را شکل می‌دهند و مردم طایفه را نیز همراه می‌سازند و این باور در مردم شکل می‌گیرد که پیروزی نماینده متناسب به طایفه به معنای حق ویژه آنها برای دستیابی به مزایا است. بنابراین، انتظاراتی از سوی تصمیم‌گیران، گروه‌های ذی‌نفوذ و برخی نیروهای اجتماعی و همچنین در میان توده مردم برای توجه ویژه نماینده متناسب طایفه آنها در تخصیص منابع، امکانات و امتیازات شکل می‌گیرد و نماینده نیز معمولاً برای اینکه پایگاه رأی خود را از دست ندهد، سعی بر کسب رضایت و اجابت نسبی تقاضاهای مطرح را دارد. این شیوه عملکردی، نماینده را ناگزیر به پیروی از علقه‌های ذاتی خویش مبنی بر حمایت از طایفه کرده و به دلیل وجود برخی فشارهای احتمالی بیرونی، فضای تفکیکی میان افراد طوایف شهرستان و نوعی اصالت و برتری افراد متناسب به طایفه خود نسبت به غیر ایجاد می‌شود. از جمله اقداماتی که گاهی در این شرایط صورت می‌گیرد، تخصیص بودجه و امکانات به مناطق جغرافیایی طایفه خود، واگذاری پروژه‌های عمرانی و پیمانکاری به افراد هم‌طایفه‌ای و ایجاد فرصت برای افراد طایفه خود جهت دسترسی به مناصب و مشاغل است. در مجموع، این شیوه رفتاری، ضمن سلب فرصت عادلانه از افراد، منجر به فضای بدبینی و عدم اعتماد سایر طوایف نسبت به نماینده می‌شود. تداوم این شرایط سبب می‌شود تا افراد سایر طوایف انرژی فکری و فیزیکی خود را برای برنامه‌ریزی و موفقیت در انتخابات‌ها به کار گیرند تا ضمن اثبات برتری خود بر سایر طوایف، به منابع و امکانات دسترسی پیدا کنند و در این شرایط، نادیده گرفتن حقوق شهروندی به رویه‌ای تقریباً مداوم تبدیل خواهد شد.

### ۲-۵- یافته‌های میدانی

در راستای ارزیابی دقیق رابطه طایفه‌گرایی و حقوق شهروندی در حوزه انتخابیه ممسنی در جریان برگزاری انتخابات‌ها و پس از آن، علاوه بر انجام مطالعات کتابخانه‌ای، با استفاده از روش توزیع پرسشنامه

میان شهروندان، مطالعه میدانی نیز با هدف سنجش و ارزیابی اجرای شاخص‌های حقوق شهروندی در سطح این حوزه انتخابیه به انجام رسید که یافته‌های آن در ادامه تشریح می‌شود. جامعه آماری پاسخ دهندگان، ۱۰۹ نفر بودند که مشخصات آنها در جدول شماره ۲ قابل مشاهده است:

جدول ۲- مشخصات پاسخ دهندگان به پرسشنامه

عنوان	جنسیت		سن				نوع طایفه					میزان تحصیلات				
	مرد	زن	۱۸ تا ۳۰ سال	۳۰ تا ۴۵ سال	۴۵ تا ۶۰ سال	۶۰ سال به بالا	بکتر	چاوید	رستم	دشمن زیادی	ماهور میلیاتی	سپکل	دپیم	کاردانی	کارشناسی	کارشناسی ارشد
تعداد	۵۶	۵۳	۵۲	۳۳	۱۵	۹	۳۲	۳۲	۱۵	۱۵	۱۳	۱۱	۱۲	۴۵	۲۴	۴
مجموع	۱۰۹		۱۰۹				۱۰۹					۱۰۹				

تحلیل آماری نتایج حاصل از پاسخ شهروندان حوزه انتخابیه ممسنی نیز در جدول شماره بیان شده است:

جدول ۳- نتایج مطالعه میدانی ارزیابی اجرای شاخص‌های حقوق شهروندی در حوزه انتخابیه ممسنی

گروه‌ها	حد متوسط	میانگین	انحراف معیار	آماره T	درجه آزادی	سطح معناداری
۱. بافت عشیره‌ای - طایفه‌ای و تبعیت مردم از سران و بزرگان طوایف و برخی نخبگان مانع استقلال رأی و انتخاب آزاد و هدفمند است.	۳	۳/۸۹	۱/۱۲	۸۳۶	۱۰۸	.۰۰۰
۲. در تبلیغات انتخابات، گروه‌های با تمایلات زادگاهی - طایفه‌ای، افراد را تحت فشار ذهنی قرار داده و حق رأی آزادانه را سلب می‌کنند.	۳	۳/۷۵	۱/۲۸	۶۱۱	۱۰۸	.۰۰۰
۳. وابستگی‌های طایفه‌ای و فشار خانواده، گروه‌های قومی و آشنایان مانع انتخاب افراد براساس شایسته‌سالاری و گزینش فرد اصلح حتی در طایفه دیگر می‌شود.	۳	۴/۰۵	۱/۰۸	۱۰/۱۳	۱۰۸	.۰۰۰

ادامه جدول ۳

گویه‌ها	حد متوسط	میانگین	انحراف معیار	آماره T	درجه آزادی	سطح معناداری
ساختار طایفه‌ای مانع فعالیت موثر نیروهای اجتماعی نظیر نخبگان، دانشجویان، بازاریان و اقشار مذهبی در انجام وظایف و دفاع از حقوق شهروندی شده است.	۳	۳/۸۳	۱/۱۰	۶۷۵	۱۰۸	۰۰۰
عدم اعتماد طوایف به یکدیگر و ضعف توجه کاندیدای پیروز یک طایفه به سایر طوایف، ساکنان ممسنی را ناگزیر به انتخاب براساس فرهنگ طایفه‌ای می‌کند.	۳	۳/۸۹	۱/۲۱	۷۸۳	۱۰۸	۰۰۰
فرهنگ طایفه‌گرایی سبب می‌شود تا مشارکت سیاسی مردم حالت هیجانی و توأم با احساسات و به دور از فضای عقلایی باشد.	۳	۴/۴۵	۰/۶۷	۲۲/۵۹	۱۰۸	۰۰۰
تعصبات طایفه‌ای کاندیدای پیروز انتخابات سبب می‌شود تا معیار گزینش افراد برای مسئولیت‌ها در شهرستان، طایفه‌ای بوده و ملاک شایسته‌سالاری نادیده گرفته شود.	۳	۴/۱۶	۰/۸۷	۱۳/۸۷	۱۰۸	۰۰۰
نامزدهای پیروز انتخابات بیش از آنکه خود را نماینده عموم بدانند، احساس تعلق به طایفه و خانواده ویژگی شخصیتی آنهاست.	۳	۴/۲۸	۰/۹۱	۱۴/۶۷	۱۰۸	۰۰۰
رفتار طایفه‌ای کاندیدای پیروز انتخابات، باعث می‌شود که امکانات، زیرساخت‌ها و فرصت‌های برابر از شهروندان سلب شود.	۳	۴/۲۹	۰/۸۷	۱۵/۴۴	۱۰۸	۰۰۰
فرهنگ طایفه‌گرایی سبب می‌شود که ساکنان نتوانند در سرنوشت سیاسی مدیریت محل زندگی مشارکت کامل و موثر داشته باشند.	۳	۴/۱۸	۰/۸۴	۱۴/۶۹	۱۰۸	۰۰۰
برخی مواقع به دلیل تعصبات طایفه‌ای و برای اطمینان از رأی به کاندیدای مدنظر طایفه، افرادی در سر صندوق، فرد را ترغیب و مجبور به نوشتن نام کاندیدا می‌کنند.	۳	۳/۸۷	۱/۲۴	۶۵۱	۱۰۸	۰۰۰

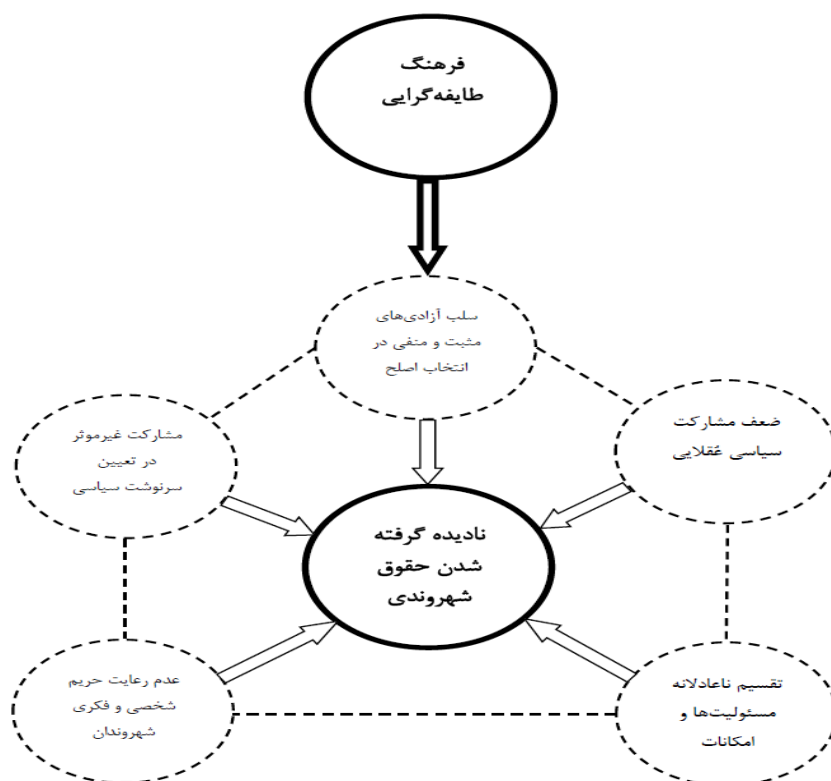
براساس نتایج مطالعات میدانی و ارائه شده در جدول شماره ۳، گویه‌های ۱، ۲ و ۳ ناظر بر ارزیابی شاخص آزادی‌های مثبت و منفی سیاسی - اجتماعی شهروندان ساکن شهرستان ممسنی در استقلال رأی، انتخاب آزاد و گزینش فرد اصلح است که میانگین هر سه گویه که بیشتر از حد متوسط است نشان داد؛ حقوق شهروندی در زمینه رعایت آزادی مثبت و منفی افراد در انتخابات به دلیل فرهنگ طایفه‌گرایی نادیده گرفته می‌شود و به این ترتیب:



- بافت عشیره‌ای - طایفه‌ای و تبعیت مردم از سران و بزرگان طوایف و برخی نخبگان مانع استقلال رأی و انتخاب آزاد و هدفمند است؛
- در تبلیغات انتخابات، گروه‌های با تمایلات زادگاهی - طایفه‌ای، افراد را تحت فشار ذهنی قرار داده و حق رأی آزادانه را سلب می‌کنند؛
- وابستگی‌های طایفه‌ای و فشار خانواده، گروه‌های قومی و آشنایان مانع انتخاب افراد براساس شایسته‌سالاری و گزینش فرد اصلح حتی در طایفه دیگر می‌شود.
- گویه‌های ۴، ۵ و ۶ ناظر بر ارزیابی شاخص مشارکت سیاسی عقلایی است. میانگین بدست آمده از هر سه گویه با عدد بالاتر از حد متوسط نشان می‌دهد که حقوق شهروندی در زمینه مشارکت سیاسی عقلایی افراد به دلیل فرهنگ طایفه‌گرایی نادیده گرفته می‌شود و به این ترتیب:
- ساختار طایفه‌ای مانع فعالیت موثر نیروهای اجتماعی نظیر نخبگان، دانشجویان، بازاریان و اقشار مذهبی در انجام وظایف و دفاع از حقوق شهروندی شده است؛
- فرهنگ طایفه‌گرایی سبب می‌شود تا مشارکت سیاسی مردم حالت هیجانی و توأم با احساسات و به دور از فضای عقلایی باشد؛
- عدم اعتماد طوایف به یکدیگر و ضعف توجه کاندیدای پیروز یک طایفه به سایر طوایف، ساکنان شهرستان ممسنی را ناگزیر به انتخاب براساس فرهنگ طایفه‌ای می‌کند.
- گویه‌های ۷، ۸ و ۹ ناظر بر ارزیابی شاخص برخورداری از حقوق و تقسیم عادلانه مسئولیت‌ها و امکانات به دور از توجه به نوع گرایش طایفه‌ای شهروندان است که نتایج بدست آمده از هر سه گویه با عدد بالاتر از حد متوسط نشان می‌دهد که حقوق شهروندی در زمینه برخورداری از حقوق و تقسیم عادلانه مسئولیت‌ها و امکانات به دلیل فرهنگ طایفه‌گرایی نادیده گرفته می‌شود و به این ترتیب:
- تعصبات طایفه‌ای کاندیدای پیروز انتخابات سبب می‌شود تا معیار گزینش افراد برای مسئولیت‌ها در شهرستان، طایفه‌ای بوده و ملاک شایسته‌سالاری نادیده گرفته شود؛
- نامزدهای پیروز انتخابات بیش از آنکه خود را نماینده عموم بدانند، احساس تعلق به طایفه و خانواده ویژگی شخصیتی آنهاست؛
- رفتار طایفه‌ای کاندیدای پیروز انتخابات، باعث می‌شود که امکانات، زیرساخت‌ها و فرصت‌های برابر از شهروندان سلب شود.

گویه ۱۰ ناظر بر ارزیابی شاخص مشارکت شهروندان در تعیین سرنوشت سیاسی مدیریت محل زندگی است که نتیجه بدست آمده با عدد بالاتر از حد متوسط نشان می‌دهد که حقوق شهروندی در زمینه مشارکت شهروندان در تعیین سرنوشت سیاسی به دلیل طایفه‌گرایی نادیده گرفته می‌شود و به این ترتیب طایفه‌گرایی سبب می‌شود که ساکنان نتوانند در سرنوشت سیاسی مدیریت محل زندگی مشارکت کامل و موثر داشته باشند.

گویه ۱۱ ناظر بر ارزیابی شاخص حفظ حریم شخصی و فکری شهروندان است که نتیجه بدست آمده با عدد بالاتر از حد متوسط نشان می‌دهد که حقوق شهروندی در زمینه حفظ حریم شخصی و فکری شهروندان به دلیل طایفه‌گرایی نادیده گرفته می‌شود و به این ترتیب برخی مواقع به دلیل تعصبات طایفه‌ای و برای اطمینان از رأی به کاندیدای مدنظر طایفه، افرادی در سر صندوق، فرد را ترغیب و مجبور به نوشتن نام کاندیدا می‌کنند.



مدل ۱- مدل مفهومی رابطه فرهنگ طایفه‌گرایی و حقوق شهروندی

Source: Authors

## ۶- نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر از دو بخش مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی با اخذ نظرات شهروندان حوزه انتخابیه ممسنی حاصل شده است و در این راستا برای تبیین رابطه فرهنگ طایفه‌گرایی و حقوق شهروندی در این حوزه انتخابیه، شاخص‌های اصلی حقوق شهروندی در فضای انتخابات نظیر برخورداری از آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، مشارکت سیاسی عقلایی شهروندان، مشارکت موثر مردم در سرنوشت سیاسی، حفظ حریم شخصی و فکری شهروندان و توزیع عادلانه مسئولیت‌ها و امکانات میان شهروندان فارغ از توجه به هر نوع گرایش طایفه‌ای مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که یکی از عوامل شکل‌گیری گرایش‌های مکانی - طایفه‌ای و فرهنگ اجتماعی و سیاسی ناشی از آن در حوزه انتخابیه ممسنی، بر اساس کار انسان در تاریخ استوار بوده است که به صورت عینی و ذهنی، آزادی‌های مثبت و منفی شهروندان در زمینه‌های استقلال فردی و انتخاب آزاد را تحت تاثیر قرار داده و برآیند آن، تسری سنت‌ها از سپهر اجتماعی به سپهر سیاسی بوده است. این فرهنگ، ضمن تاکید بر تاریخ و گذشته مشترک و برجسته‌سازی روحیه عشیره‌ای، اعضای طوایف مختلف را با وجود گذشت زمان، با تشکیک ذهنی مواجه کرده و آنها را در مسیر پیگیری اهداف از طریق غلبه بر «دیگری» قرار داده است. بر این پایه، سنت و عرق تباری بر گزینش عقلایی ترجیح داده می‌شود و مبنای عملکرد افراد در حوزه انتخابیه ممسنی قرار می‌گیرد و آزادی مثبت نیز محدود می‌شود. بر پایه این یافته‌ها، تاثیرات ذهنی و عینی فرهنگ طایفه‌گرایی، آزادی منفی شهروندان، حریم خصوصی و تفکرات آنها را متاثر می‌کند که گروه خویشاوندی بیشترین نقش را در تحریک الگوی سستی در ذهنیت افراد داشته و آنها را ناگزیر از پذیرش زندگی اجتماعی و سیاسی عشیره‌ای کرده است. در این راستا، نهادینگی بایسته‌های زندگی عشیره‌ای و پاسداشت سنت‌ها به صورت عینی نیز نمایان گردیده و معمولاً انتخابات مجلس شورای اسلامی به عرصه‌ای برای نمایش و اثبات خود به دیگر طوایف تبدیل می‌شود. سلب آزادی مثبت و منفی شهروندان در حوزه انتخابیه ممسنی علاوه بر متاثر شدن از نگرش درونی فرد به مسئله عشیره و سنت‌ها، از طریق تاثیرگذاری دیگر گروه‌های موثر نظیر گروه‌های ذی‌نفوذ، برخی نخبگان و نیروهای اجتماعی نیز صورت می‌گیرد و در روز انتخابات عملاً شهروندان را در خدمت خواسته‌ها و تمایلات منبعث از بن‌مایه زندگی عشیره‌ای، قرار می‌دهند و بدین ترتیب حقوق شهروندی نادیده گرفته می‌شود. یافته‌ها همچنین گویای این است که گروه‌های خویشاوندی به صورت خودجوش یا سازمان یافته زمینه بسیج توده بر بنیاد فرهنگ طایفه‌گرایی و

نادیده گرفتن حقوق شهروندی را فراهم می‌کنند. در واقع، این گروه‌ها با برگزاری نشست‌ها و جلسات آشکار و پنهان به ترغیب سایر گروه‌ها و توده مردم در انتخابات پرداخته و فرصت لازم برای بروز احساسات فراهم می‌شود. علاوه بر این، تمایلات ذاتی و تاثیرپذیری نخبگان و توده، در نادیده گرفتن حقوق شهروندی در حوزه انتخابیه ممسنی تاثیرگذار است. نخبگان و توده‌هایی که تمایل ذاتی به حفظ علایق عشیره‌ای و طایفه‌ای دارند بر دیگر گروه‌ها و نیروهای اجتماعی شهرستان تاثیر می‌گذارند و با نگاه بلندمدت به تأمین هویت و کسب منافع، آزادی مثبت و منفی و حقوق شهروندی را متاثر می‌کنند. حمایت از سنت‌ها و زندگی عشیره‌ای در شهرستان ممسنی نیز به دو حوزه اجتماعی و سیاسی تقسیم شده است. در حوزه اجتماعی، گروه‌هایی نظیر شعرا، ادیبان و فرهیختگان علمی صرفاً به دنبال ایجاد همبستگی درونی طایفه خود و یا همبستگی فرهنگ ممسنی در مقابل سایر فرهنگ‌ها هستند که این مسئله به دلیل محدود بودن به مسائل اجتماعی نمی‌تواند به نادیده گرفتن حقوق شهروندی منجر شود اما برخی دیگر از عناصر، متشکل از گروه‌های ذی‌نفوذ، برخی نخبگان و توده مردم، مسائل سستی و اجتماعی را به حوزه سیاسی تسری داده که نمود بارز آن در انتخابات مجلس شورای اسلامی است. این گروه، در انتخابات، معمولاً فضایی هیجانی را در شهرستان حاکم کرده و با تاکید بر گزینشی طایفه‌ای حقوق شهروندی را نادیده می‌گیرند. سرانجام، یافته‌های تحقیق تاییدگر این مسئله است که فرهنگ طایفه‌گرایی در حوزه انتخابیه ممسنی مختص به زمان انتخابات نبوده بلکه پس از انتخابات نیز تداوم دارد و نامزدهای پیروز انتخابات معمولاً در تخصیص بودجه، منابع و امکانات توجه بیشتری به گروه‌ها و نواحی جغرافیایی متناسب به طایفه خود دارند و این مسئله ابزاری در جهت نادیده گرفتن حقوق شهروندی است. در مجموع، تسلط فرهنگ طایفه‌گرایی بر فضای انتخابات با سلب آزادی‌های مثبت و منفی از شهروندان در استقلال رأی و انتخاب نامزد شایسته و اصلاح، ایجاد زمینه مشارکت سیاسی هیجانی و غیر عقلایی، فراهم کردن زمینه مشارکت غیر موثر در سرنوشت سیاسی مدیریت محل زندگی شهروندان، عدم رعایت حریم شخصی و فکری شهروندان و ایجاد شرایطی برای توجه بیشتر کاندیدای پیروز انتخابات به طایفه خود و تخصیص ناعادلانه بودجه، امکانات و پست‌های مدیریتی در بخش‌های مختلف شهرستان و میان شهروندان، منجر به نادیده گرفتن حقوق شهروندی می‌شود.

## کتابنامه

1. Aevazi, M. (2006). *Political participation in the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Islamic Revolution Documents Center. (In Persian).
2. Alem, A. (2011). *Principles of Political Science*. Tehran: Ney Publication.
3. Ashraf Nazari, A. (2012). Recognition of positive and negative concepts of freedom: Critical Approach. *Quarterly of Politics*. 41(1). 351-369. (In Persian).
4. Basherie, H. (2002). *The lessons of democracy for all*. Tehran: Contemporary Attitude. (In Persian.)
5. Basherie, H. (2011). *History of Political Thought in the Twentieth Century, Liberalism and conservatism*. Tehran: Ney Publication. (In Persian).
6. Berlin, A. (2001). *Four Essays on Liberty*. (M.A. Movahed Trans.). Tehran: Kharazmi University. (in Persian).
7. Coen, B. (2007), *Principles of Sociology*. (F. Tavassoly & R. Ghulam Abbas trans.). Tehran: SAMT. (In Persian.)
8. Constitution of the Islamic Republic of Iran approved Constitution 1980, Modifications and Changes in approved constitution 1990 (2005). Codification by Masoud Danaei, Ghom: Saeid Novin. (In Persian).
9. Ghaderi, H. (2013). *Political Thought in the Twentieth Century*. Tehran: SAMT. (In Persian).
10. Habibi Fahlani, H. (1992), *Mamasani in history trajects*. Shiraz: Shiraz Publication. (In Persian).
11. Hafeznia, M. & Kaviani rad, M. (2009). *New Horizons in geopolitics*. Tehran: SAMT Publication. (In Persian).
12. Hafeznia, M., Ahmadipour, Z. & Ghadrihajat, M. (2012). *Politics and Space*. Mashhad: Papoli Publication. (In Persian).
13. <https://www.amar.org.ir>
14. Kaldi, A. & Pourdehnad, N. (2012). The Study of Knowledge and Attitude of Students towards Citizenship rights in Tehran. *Quarterly of Urban Studies*. 2(4). 29-57. (In Persian).
15. Kaviani Rad, M. & Gharah Beygi, M. (2017). *Election geography, Foundations, Concepts, Methods*. Tehran: Research Institute of Strategic Studies. (In Persian).
16. Kaviani Rad, M. (2013). *Election geography, with an emphasis on presidential election*. Tehran: Kharazmi. (In Persian).
17. Mashekat, M. & Fazeli, M. (2014). A critical study of the concept of freedom in Isaiah Berlin Thought, *Quarterly of Qarbshenasi-ye Bonyadi*. 5(2). 105-135. (In Persian.)
18. Mirfardi A. & Dehbanipour R. (2012). A Study on Symbols of Ethnic and National Culture & Identity in the Local Literature of Mamasani Region. *Journal of Anthropology*. Issue 15. 164-187. (In Persian.)
19. Mirzaeitabar, M., Sadeghi, V. & Hosseini, M. (2015). Explantation the Relationship between Political Culeture and Economical Development. *Quarterly of Political Knowledge*. 11(2). 169-208. (In Persian.)

20. Rahnavard, F. & Mahdavi rad, N. (2010). *Management of Election*. Tehran: Information Publication. (in Persian).
21. Razaghpour, Y. (2011). Take a right of citizenship, *Journal of Kanoon*. 53(123). 87-98. (In Persian) .
22. Rumina, E. & Sadeghi, V. (2015). The Effect of Tribalism on The voting pattern (Case Study: County of Nourabad Mamassani). *Quarterly of Geopolitics*. 11(3). 84-116.) In Persian.)
23. Sadeghi, V & Hosseini, M (2015), The origins of Tribalism production in Mamassani County (Strategy to deal with it). *Quarterly of Social – Cultural of Farasou*. 8(27-28). 17-21. (In Persian.)
24. Sadeghi, V. (2014). *The Effect of Tribalism on The voting pattern (Case Study: County of Nourabad Mamassani)*. MA Thesis, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University.( In Persian).
25. Sojasi Gheidari, H. Sadeghi, V. & Hossein, M. (2013). *The Role of Tribalism in Political underdevelopment (Case Study: County of Nourabad Mamassani)*. National Conference on Geography of elections, Kharzmi University of Tehran, May 10. (In Persian).
26. Statistical Center of Iran (National Portal of Statistics), The results of the general census of population and housing in 2016, Table of population and households respectively, Province and Sub-province (Shahrestan), (In Persian). Accessible at:
27. Statistical Yearbook of Fars province (2011). Statistics about population of county in Fars Province.(In Persian.)
28. Taheri, A. (2002). *Second Farsnameh (Cognitive, historical, cultural, economic)*. Volume II, Shiraz: Omidvaran (Art Institute and publishing of Mirza Shirazi). (In Persian).
29. Zarghami, B. Hosseini, M. & Sadeghi, V. (2014). *Analysis of the relationship between Tribalism and civil rights (Case Study: County of Nourabad Mamassani)*. Regional Conference on Challenges and Sustainable Development, Islamic Azad University, Branch of Nourabad Mamassani, May. (In Persian).